

نگاهی به وزارت شیخ علی خان زنگنه در عصر صفوی

دکتر جعفر پور^۱

پنخشان سلیمی^۲

چکیده

شیخ علی خان زنگنه، وزیر شاه سلیمان صفوی، که باید او را امیرکبیر عصر صفوی دانست، چندین بار به فکر اصلاح و ممیزی تیول‌ها افتاد، ولی موفق نشد؛ به قول شاردن، «همه خان‌های بزرگ به خاطر منافع خود، در پنهانی، با این کار مخالفت می‌ورزیدند؛ زیرا همگی از این املاک در تیول خود داشتند و در این میان برخی بر اثر تجدید نظر، عوایدشان به ربع و حتی کمتر از آن کاهش یافت، به نظر می‌رسد مثل معروف شاه می‌بخشد، شیخ علی خان نمی‌بخشد، از این زمان پدید آمده باشد. شیخ علی خان زنگنه (درگذشت ۱۱۰۰ ه.ق) از امرا و رجال عهد صفویه و وزیر معروف شاه سلیمان اول صفوی، پدرش، علی بیگ زنگنه، از جانب شاه منصب میرآخوری داشت. شیخ علی خان، بعد از پدر، منصب میرآخوری یافت و چون شاه سلیمان را از شرّ وزیری که در آغاز جلوسش بدو اعتنا نمی‌کرد خلاص نمود، منصب وزارت و عنوان اعتمادالدوله یافت (۱۰۷۹ ه.ق). گویند وی کارهای مملکت را منظم نمود و در تعظیم علما و فقرا می‌کوشید و شب‌ها در لباس مبدل در محلات شهر گردش می‌کرد. برخی، آغاز وزارت او را در سال ۱۰۸۶ ه.ق نوشته‌اند. در دوره وزارت شیخ علی خان ضعف‌ها و کاستی‌ها نه تنها جبران، بلکه در بسیاری موارد اوضاع حتی (به ویژه به لحاظ کمی) بهتر از زمان عباس اول شد. لذا، اگر هم سقوط صفویه بسته به جریان زوال‌گونه‌ای در دوره پس از عباس اول بوده باشد، در دوره بیست ساله وزارت شیخ علی خان این‌گونه نبوده است. این تحقیق بر آن است تا اوضاع ایران را در طی بیست سال وزارت شیخ علی خان روشن کند.

واژگان کلیدی: صفوی، شیخ علی خان زنگنه، ایران، شاه سلیمان

۱. استادیارگروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

مقدمه

از میان خاندان‌های متنفذ در تاریخ چهارصد ساله اخیر ایران می‌توان به خاندان نیرومند و کردنژاد زنگنه اشاره کرد؛ که به علت قرار داشتن در رأس یکی از مهمترین ایلات کرد ایران نقشی محوری در حوادث چهار قرن اخیر ناحیه غرب کشور بازی کرده و رجال برخاسته از این دودمان قدرتمند بعضاً منشأ رویدادهای مهمی، حتی در ابعاد سراسری تاریخ ایران زمین، بوده‌اند. از همین‌رو، پرداختن به زندگانی‌نامه رجال زنگنه تبار نه تنها می‌تواند به فهم و درک بهتر تاریخ محلی منطقه کرمانشاهان، به عنوان مسقط‌الرأس ایل زنگنه، یاری رساند، بلکه می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد مختلف تاریخ ایران در چهارصد سال اخیر نیز کمک مؤثری نماید. شیخ علی‌خان زنگنه وزیر اعظم شاه سلیمان صفوی از ایل و تبار بزرگ و قدیمی کرد بوده است (مردوخ، ۱۳۷۰: ۴۵۱/۳) و در سراسر قلمرو تاریخ ایران ایل زنگنه از لحاظ تشکیلات قدیمی‌تر از ایلات دیگر (سلطانی، ۱۳۷۲: ۲/۶۴۱) بود. *شرفنامه* بدلیسی امرای کرد ایران را به چهار شعبه تقسیم کرده است. یکی از این تقسیمات شامل ایل و تبار زنگنه می‌باشد (بدلیسی، ۱۳۶۴: ۴۲۴-۴۲۳). در مورد نام‌گذاری ایل زنگنه تعابیر متفاوتی وجود دارد. عده‌ای نام زنگنه را برگرفته از مکانی می‌دانند که این ایل در آنجا می‌زیسته است (نطنزی، ۱۳۳۶: ۲/۶۴۹). با توجه به شواهد و مدارکی که به دست آمده، گرد بودن تبار زنگنه قطعی است (نطنزی، همان جا). در مورد خاستگاه اصلی این ایل، با توجه به گستردگی اقلیمی شاخه‌های اصلی آن، در حال حاضر احتمال داده‌اند که در گذشته‌ها زنگنه‌ها سرزمینی وسیع را که امروزه بخشی از آن در مناطق کردنشین غرب ایران، و بخش دیگرش در خاک کردستان عراق است، در تصرف خود داشته‌اند. همچنین، تا آنجا که تواریخ مکتوب از زنگنه‌ها خبر داده‌اند، افراد این تبار همواره نژاد ایرانی داشته و تابع دولت‌های مرکزی ایران بوده‌اند (بیات: ۹۵۵).

ایل زنگنه

معین‌الدین نطنزی در خصوص زنگنه چنین نظر می‌دهد که زنگنه‌ها به حکم اتابکان لرگردن نهاده‌اند (نطنزی، همان جا). محل سکونت و رفت و آمد ایل زنگنه منطقه وسیعی را در برداشت. منطقه اسکان و کوچ آنان از شمال به پنجوین سلیمانیه ایالت اربیل، از جنوب شرقی به بدره، و از جنوب غربی به سلمان پاک، از شرق به حلبچه و رود دیاله و خانقین و مندلی، و از غرب به تکریت و سامره و بعقوبه و بغداد محدود می‌شود (نلدکه: ۶۹). **تذکره الملوک** ایل زنگنه را مجموعه‌ای مرکب از ایلات لر و کرد می‌داند (میززا سمیعا، ۱۳۶۸: ۲۵).

گفته‌اند که نام ایل زنگنه اولین بار در تاریخ حکومت آل جلایر آمده، ولی بر اساس شهادت اکثر منابع، مهاجرت ایل زنگنه همزمان با تشکیل دولت صفوی توسط اسماعیل اول بوده است (بدلیسی، ۱۳۶۴: ۴۳۱). بر اساس گزارش شفاهی برخی که از ایل زنگنه به عمل آمده، دلایل و شواهدی وجود دارد که حاکی از شیعه‌بودن آنان است. ایل زنگنه قبل از ظهور سلسله صفوی به مذهب شیعه علاقه داشتند؛ بر همین اساس، روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهد ایل زنگنه در واقعه عاشورا و تدفین شهدای آن حاضر بوده و اهل بیت (س) را تا شام همراهی کرده‌اند؛ تا این که پس از مدت‌ها همراهی با اسرای اهل‌بیت، امام سجاد (ع)، ضمن اظهار رضایت از رفتار و خدمات زنگنه‌ها، به آنان اجازه مراجعت داده است (بدلیسی، همان: ۶۵).

بنابر گفته بدلیسی، زنگنه‌ها در دوره شاه اسماعیل اول صفوی (۹۰۷ تا ۹۳۰) به خدمت او در آمدند و توسط این پادشاه به مراتب و درجات عالی حکومتی نائل گردیدند؛ و چنان به مراتب عالی حکومتی درآمدند، که مورد حسادت اقران قرار گرفتند (سلطانی، ۱۳۷۲: ۲/۶۵)؛ اما بعدها به این دلیل که امرای بزرگ زنگنه فوت نمودند و از آنان در دربار شاه تهماسب اول (۹۳۰ تا ۹۸۴ هـ ق) امرای بزرگی حضور

نداشتند و فعالیت نکردند، از موقعیت و مقام و مرتبه ایلشان کاسته شد؛ تا آنجایی که به دستور شاه تهماسب، برخی از افراد ایل زنگنه را به سوی خراسان و عراق کوچ دادند، و ایل مذکور به خدمت امرای قزلباش آن مناطق درآمدند، وعده‌ای هم به صفوف قورچیان پیوستند (امیرنیا، ۱۳۶۸: ۲/۱۵). زنگنه‌ها در تمامی ناحیه کرمانشاهان پراکنده‌اند و طوایف مختلفی چون زنگنه، کندوله، زنگنه پریانی، زنگنه چهری، زنگنه زوله (کوچ رو)، زنگنه دورویی، زنگنه کرکویی، زنگنه شمشیر چوبی، و زنگنه کرانی را شامل می‌شود (سلطانی، همان: ۲/۶۴۸). طوایف یادشده همگی کرد زبان هستند و به گویش کردی کرمانشاهی تکلم می‌کنند، گویشی که امروزه در میان اغلب عشایر کرمانشاهان رایج است، ولی احتمالاً از قدیم الایام تنها ایلات زنگنه و کلهر بدان سخن می‌گفته‌اند (سنندجی، ۱۳۶۶: ۴۳-۲۳). تمام طوایف مذکور در بالا دارای مذهب شیعه اثنی‌عشری می‌باشند. منتهی، تعداد قلیلی از آنان به مذهب اهل حق، که از فرق غالی شیعه است، گرایش دارند (سنندجی، همان: ۲۴-۲۳).

زنگنه‌های فارس در برخی از نواحی این ایالت، از جمله در روستای تومان زنگنه و زنگنه واقع در بلوک گله‌دار (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۲: ۱۵۰) و دهستان (شش ده قره بلاغ) از توابع شهرستان فسا و نیز ناحیه شاهپور در اطراف شهرستان کازرون ساکن هستند (دهخدا، ۱۳۶۱: ۱۵/۵۱۰). زنگنه‌های اخیرالذکر چهار تیره به اسامی کرونی، اردشیری، لک، بلیلوند، را شامل می‌شوند، که تابستان‌ها را در ناحیه بن رو به سر می‌برند. همچنین، با توجه به وجود واژه زنگنه در اسامی دو طایفه از طوایف مهم قشقایی، می‌توان گفت احتمالاً ریشه اصلی اینان نیز در ایل زنگنه نهفته است. این دو طایفه، طایفه‌های زنگنه کوشک و زنگنه‌های مکعب‌آباد را شامل می‌گردند (بینا، ۱۳۷۷: ۱/۶۶). بخشی از زنگنه‌تبارها در استان بوشهر کنونی زندگی می‌کنند، که زمانی بخش جنوبی ایالت فارس را تشکیل می‌داد. بنابر نوشته حسن فسائی، این عده در دوران صفویه به نواحی جنوبی ایالت فارس منتقل و در آنجا ساکن شدند (فسائی،

۱۳۱۳ : ۲/۱۳۲۹). عده‌ای از زنگنه‌های مزبور در دهستان "تراکمه" از بخش کنگان، و عده‌ای دیگر در منطقه زنگنه دشتستان، حد فاصل نواحی آباد تا بوالفریس، زندگی می‌کردند (دوبد، ۱۳۷۱: ۲۳۹). گروهی دیگر از زنگنه‌ها در ناحیه جنوب غربی ایران در منطقه ایزه از توابع بهبهان و حدفاصل نواحی قلعه‌تل تا باغ ملک و نیز ناحیه جانکی زندگی می‌کنند. برخی از طوایف زنگنه ساکن در این نواحی لر زنگنه نامیده می‌شوند، که احتمالاً این نام در اثر تغییر زبان آنان از کردی به لری، در اثر مجاورت با ایلات لر، بر آنان نهاده شده است (اعتمادالسلطنه: ۵۰ - ۴/۴۹).

خاندان زنگنه در دوره صفویه

در دوره شاه‌عباس صفوی، بلند مقام‌ترین مرد زنگنه علی‌بیگ زنگنه فرزند محمودبیگ و نواده احمدبیگ زنگنه بود، که در واقع، نسبت کسانی که از آنان به عنوان هسته مرکزی ایل زنگنه یاد می‌شود، جملگی به او می‌رسد. علی‌بیگ زنگنه در منابع تاریخی بیشتر به نام علی‌بالا یا آلی‌بالا، یا بعضی وقت‌ها آلی‌بالو و آلبالو هم از او یاد شده است (سلطانی، ۱۳۷۲: ۲/۶۶۸). از قدیمی‌ترین اخبار در مورد علی‌بالا یا آلبالو، مربوط به مأموریتی است که شاه‌عباس اول به منظور رساندن پیام خود به الله‌وردی‌خان، حاکم نواحی فارس و جنوب، به ایل زنگنه در دربار خود سپرده بود (مهدوی، ۱۳۶۹: ۷۶).

علی‌بالا ابتدا یوز باشی بود، و با این درجه فرماندهی دسته‌ای از افراد ایل زنگنه را در سپاه صفوی بر عهده داشت (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۷۱). شیخ‌علی‌خان فرزند علی‌بالا در رمضان سال ۱۰۴۷ به عنوان امیر آخورباشی انتخاب شد (همان جا). علی‌بالای زنگنه چندین پسر داشته است که همگی به نوبه خود خدمت‌هایی در دربار صفوی انجام داده‌اند. پسر بزرگ علی‌بالا، شهبواربیگ زنگنه، و دیگر پسرانش، با توجه به اطلاعاتی که از منابع به دست آمده است. عبارت‌اند از: شاه‌رخ سلطان

زنگنه، شیخ علی خان زنگنه، نجف‌قلی خان زنگنه، و حسن‌علی خان زنگنه (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۰۸). امرای زنگنه در دربار شاه‌اسماعیل در بنیان‌گذاری سلسله صفوی حضوری مؤثر داشتند (بدلیسی، ۱۳۶۴: ۴۳۱)؛ ولی در عهد شاه تهماسب اول، از آن‌جایی که امیران بزرگ زنگنه تبار از میان رفتند و جانشینان شایسته‌ای از میان افراد ایل پیدا نشد، موقعیت زنگنه‌ها در دربار تا حدود زیادی تنزل کرد و افراد ایل زنگنه به خدمت سایر امرای حکومت صفویان در آمدند (همان جا).

شیخ علی خان زنگنه

شیخ علی خان زنگنه فرزند علی بالی بیگ زنگنه از ایل کرد زنگنه بود. شیخ علی خان به سال ۱۰۲۰ ق متولد شد (خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۲۴۵). در مورد محل تولد و چگونگی تربیت وی و سپری شدن طفولیت او، در هیچ منبعی، اطلاعاتی هر چند اندک، به دست نمی‌آید. اولین گزارش در شرح حال وی، بدین شرح است که شیخ علی خان به تاریخ رمضان ۱۰۴۷ ق به جای برادرش شاهرخ سلطان، که به مقام امارت ایل زنگنه ارتقاء یافته بود، به منصب امیرآخورباشی رسید (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۶۴). وی در نهم جمادی‌الاولی ۱۰۴۹ هـ ق، مجدداً به جای برادرش شاهرخ سلطان، که فوت کرده بود، به امارت ایل زنگنه نائل شد (حسینی استرآبادی: ۲۵۹). شیخ علی خان در زمان شاه عباس دوم، ظاهراً به سال ۱۶۵۳ م/۱۰۶۴ ق به عنوان حاکم کرمانشاه منصوب شد (Rudi, 1991: 80).

شاردن از شیخ علی خان به عنوان فرمانده نظامی برجسته‌ای که سابقه سسی ساله در این کار داشته است، یاد می‌کند (شاردن، ۱۳۳۶: ۸/۱۵۸). حیات سیاسی شیخ علی خان، بعد از مرگ شاه عباس دوم و جلوس شاه صفی دوم (سلیمان)، نه تنها منقطع نشد، بلکه خود آغاز شکفتگی جریانی بود که او را به اوج رساند و منجر به ارتقای وی به مقامات بالای اداری شد. تا جلوس صفی دوم (سلیمان)، شیخ علی خان هنوز

حکومت کرمانشاه را در دست داشت و پس از حملهٔ ازبک‌ها به ایران، مجدداً به جنگ با آنان فرا خوانده شد، و فرماندهی بخشی از سپاهیان به او محول گشت و به جای وی برادرش به حکومت کرمانشاه رسید (شاردن، همان: ۹/۱۸۱). پس از آن که او صلاحیت خود را در مسایل نظامی به اثبات رسانید، در سال ۱۰۷۹/م ۱۶۶۸ ق بلافاصله پس از استعفای بوداق سلطان تفنگچی آقاسی، به جای او منصوب شد و حکومت کرمانشاه نیز «به یکی از پسرانش به نام سلیمان خان واگذار گردید، که وی نیز لایق آن منصب و خلف شایستهٔ آن پدر عالی مرتبت... بود و شخص خوش نیت و با کفایتی ... بود» (شاردن، همان: ۹/۲۰۹). سرانجام، شیخ علی خان به مقام وزارت انتخاب شد. در مورد سال انتخاب شیخ علی خان به وزارت، اقوال مختلف است. شاردن سال مورد نظر را ۱۰۷۹/م ۱۶۶۸ ق می‌داند (شاردن، همان: ۵/۱۸۲).

شیخ علی خان پس از رسیدن به وزارت، تمام کوشش خود را صرف اصلاح و انتظام امور نمود. اما به علل گوناگون، سرانجام، تقریباً پس از دو سال وزارت، از طرف شاه سلیمان معزول و خانه‌نشین شد (شاردن، همان جا). سال عزل شیخ علی خان ۱۰۸۲ ق ذکر شده است (مشیزی، ۱۳۶۷: ۳۸۸). علت ظاهری عزل وی را از وزارت، مخالفت وی با شرابخواری شاه یا دست کم عدم‌همراهی با شاه در شرابخواری، دانسته‌اند (همان جا). در ایام غیبت وی از وزارت، هرگز صدر اعظمی به جای وی تعیین نشد (شاردن، همان: ۳/۱۰۸).

سرانجام ایام فترت به سر آمد و «شیخ علی خان در سنهٔ ۱۰۸۳ هـ. ق نواب اشراف را به نوازشات خسروانه اختصاص داد» (مشیزی، همان: ۴۰۶) و از طرف دیگر، با عزت و اکرام و افتخار به کار خویش منصوب شد. مرحلهٔ دوم وزارت وی، که از سال ۱۰۸۳ ق آغاز شد، یکی از طولانی‌ترین ادوار وزارت در تاریخ صفویه بود. شیخ علی خان در طی این مدت طولانی اختیارات زیادی در ادارهٔ کشور کسب کرد و به این وسیله تأسیسات و اصلاحات اساسی در ساختارهای متعدد حیات اداری، اقتصادی،

نظامی و سیاسی کشور به وجود آورد. او شیعه‌ای کاملاً مؤمن و معتقد بود. در زمان وزارت شیخ علی خان به دلیل دلبستگی شدید وی برای انجام دادن فرایض دینی، بزرگ‌ترین کاروان‌های زیارتی حج عازم مکه می‌شدند. یکی از این کاروان‌ها، که به سال ۱۰۹۰ هـ.ق به راه افتاد، به تعبیر خاتون، آبادی بزرگ‌ترین کاروان زیارتی حج تاریخ بود، که پسر شیخ علی خان، حسین علی خان، منصب امیرالحاج را در آن برعهده داشت (خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۵۳۴).

شیخ علی خان همچنین فردی علاقه مند به ادبیات و شعر فارسی بود. او از همان زمان که حکومت کرمانشاهان را در دست داشت، با ادیبان و شاعران دمخور بود و تنی چند از آنان در خدمتش حاضر بودند؛ چنان که میرزا نورا متخلص به «لامع»، فرزند قاضی نصیرای همدانی، (نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۳۵۰) و نادرای شیرازی (همان جا) مدت‌ها در کرمانشاهان در خدمت شیخ علی خان به سر می‌بردند. این تمایل شیخ علی خان به شعر و ادب، در توجه شاه سلیمان به شعر و ادب بی‌تأثیر نبود؛ به طوری که شاه سلیمان نیز شاعران متعددی در دربار داشت و به آنان صله می‌پرداخت. به عنوان نمونه، میرزا رضی دانش، هر ساله سی تومان از شاه دریافت می‌کرد (نصرآبادی، همان: ۲۵۳).

شیخ علی خان در طول بیست سال وزارت خود کارهای بزرگی انجام داد و کشور را از لحاظ اداری، اقتصادی، نظامی و سیاست خارجی، حیاتی نو بخشید (که درباره موارد مذکور مفصلاً صحبت خواهیم کرد). او سرانجام پس از حدود بیست سال وزارت، در سال ۱۱۰۰ ق درگذشت. البته، در مورد تاریخ دقیق فوت وی اقوال مختلف است. شیخ علی خان تمام حکام ایالات و ولایات را تعیین می‌کرد و مقامات عالی رتبه نظامی را هم او منصوب می‌کرد. همچنین، فرماندهان نظامی که به میدان جنگ مأمور می‌شدند، همگی با نظر وی تعیین می‌شدند، یا دست کم، وی وسایلی برمی‌انگیخت تا شاه این مناصب را به هر کسی که او مایل است بدهد. کمپفر در این

باره می‌نویسد: «راهی که به مقام و منزلت، نفوذ و ثروت می‌انجامد، منحصرأ و منفردأ به لطف و مرحمت این مرد (شیخ علی خان) ممکن است پیموده شود. فقط در صورتی که او بخواهد و عریضه را عنوان کند، شاه از آن با خبر می‌شود و بس؛ تنها اوست که هرگاه از تقاضایی پشتیبانی کند، آن تقاضا مورد قبول شاه واقع می‌شود» (نصرآبادی، همان : ۷۵). کمپفر حتی او را به عنوان دارندهٔ مقام نیابت سلطنت معرفی می‌کند (همان جا).

شیخ علی خان کوشید تمام بستگان و دوستان خود را منصب و مقامی دهد و به این وسیله ادارهٔ بسیاری از کارها را توسط معتمدان خود به انجام برساند (همان جا). بدیهی است این خود، یکی از راه‌های تلاش برای حفظ و تداوم حیات سیاسی خاندانش بود. با مطالعهٔ تذکرهٔ صفویان کرمان، کراراً نفوذ ایل زنگنه و خانوادهٔ شیخ علی خان را در کلیهٔ مهمات حیاتی ایالت کرمان شاهدیم. این امر البته می‌تواند نمونه‌ای برای تعمیم به سایر ولایات نیز باشد (مشیزی، همان: ۴۸۵). شاید یکی دیگر از راه‌های افزایش و تداوم قدرت شیخ علی خان، دستورالعمل‌های منجمان به شاه سلیمان بود. همان قدر که شیخ علی خان نسبت به پیشگویی‌های منجمان بی‌اعتنا بود، در عوض شاه بدان سخت پابندی داشت. پس، گه‌گاه منجمان دربار، مصلحت را در آن می‌دیدند که شاه برای مدت طولانی از دخالت در امور و ظاهر شدن در انظار عمومی خودداری کند.

با نگاهی به جریان وزارت ساروتقی و سرانجام او، به سهولت می‌توان نوعی رقابت را بین دستگاه وزارت و حرم از یک طرف، و سپاهیان قورچی از طرف دیگر، مشاهده کرد. ظاهراً رقابت شدید بین سپاهیان قورچی و دستگاه وزارت و نیز با حرم شاه، که به تدریج در اختیار مطلق زنان گرجی و چرکسی قرار گرفته بود، سرانجام، دستگاه وزارت و حرم را در مقابل دشمن واحد، که همان قورچی‌ها باشد، به هم نزدیک کرد. تقابل شدید این دو جناح را در دورهٔ وزارت ساروتقی شاهدیم (شاردن،

همان: ۹۰-۸۷ و ۸۳ - ۷/۸۱)؛ تا اینکه در ایام وزارت شیخ علی خان این پیوند بین حرم و وزیراعظم حالتی تثبیت شده به خود گرفت. از جمله افرادی که در صدد رقابت با شیخ علی خان بودند، ناظر بیوتات خاصه بود. از گفته‌های شاردن می‌فهمیم که صاحب منصبان اداری و مالی، یعنی وزیراعظم و ناظر بیوتات خاصه، مهمترین مقامات ذی‌نفوذ دربار در دوره صفویه بعد از شاه عباس اول بودند. آنان بر اعمال یکدیگر نظارت می‌کردند. قدرت و اعتبار ناظر دربار شاه عباس دوم بیشتر از وزیراعظم بوده است؛ اما مطالعه وقایع دوره سلیمان معلوم می‌کند که در این دوره جریان مزبور معکوس شد و شیخ علی خان اعتمادالدوله قدرتی بیشتر از ناظر یافت (شاردن، همان: ۹۰-۸۷ و ۸۳ - ۷/۸۱).

نگاهی به برخی مسائل شیخ علی خان در هنگام وزارت

شیخ علی خان، علی‌رغم آنکه در برخی از موارد فرماندهی سپاهیان اعزامی از سوی دولت صفوی را به مناطق مختلف عهده‌دار می‌شده است، اما به هر حال صرفاً شخصیتی کشوری محسوب می‌شده، و در زمره فرماندهان نظامی نبوده است. از این رو، نمی‌توانسته است از کلاه مخصوص نظامیان قزلباش استفاده کند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۵۵). وی همچون سایر وزرای تاریخ ایران، به خصوص وزرای شایسته، از امنیت شغلی کافی برخوردار نباشد و همیشه در این بیم به سر می‌برد که به فرمان شاه تصفیه شود. به همین سبب، وی برای تحکیم وضع و موقع خود، سیاست‌های خاصی اعمال می‌کرد. به این ترتیب که از یک طرف مراقب بود تا کسی از دشمنانش نتواند شاه را علیه او تحریک کند، و از سوی دیگر سعی داشت تا با اظهار چاکری به درگاه شاه سلیمان، هر چه بیشتر مورد توجه او واقع گردد (کمپفر، همان: ۷۹-۷۸).

این اقدامات شیخ علی خان، هر چند که ترس فراوانی را در میان بزرگان دربار در اثر مخالفت با شیخ علی خان ایجاد می‌کرد، اما در همان حال دشمنی و تنفر زیادی را

هم در میان درباریان علیه او برمی انگيخت. شیخ علی خان زنگنه در امر اخذ مالیات برای خزانه دولت بسیار سخت گیر بود (کمپفر، همان: ۸۳) و در دوره وزارتش جز افزایش ثروت مملکت و مخدوم خویش هدف دیگری دنبال نمی کرد (شاردن، همان: ۳/۱۰۴). بنا به گفته شاردن، شیخ علی خان چندین بار نیز به فکر اصلاح و ممیزی مجدد زمین های تیولی افتاد، ولی از آن جا که همه بزرگان مملکت مقادیر معتناهایی از املاک دولتی را در تیول خود داشتند، و در صورت تحقق تجدید نظر مورد درخواست اعتمادالدوله بعضاً درآمدهایشان از این طریق به ربع و حتی کمتر از آن کاهش می یافت، به طور پنهان و حتی آشکار، با این کار مخالفت کردند، و به همین دلیل در نهایت در این زمینه موفقیتی نصیب شیخ علی خان نگردید (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۷۳-۱۱۴). شاید ضرب المثل معروف «شاه می بخشد، اما شیخ علی خان نمی بخشد»، از همین مسئله ناشی شده باشد.

کمپفر نوشته است که خان زنگنه در امور مالی، به خصوص وقتی پای یهودیان، مسیحیان، هندیان و ارمنیان در کار بوده، بسیار سخت گیری می کرده است؛ و هم او افزوده است که شیخ علی خان مقرر نموده بود مسیحیان در مقابل اعطای حق آزادی اجرای مراسم مذهبی شان، هر ساله مجموعاً دویست تومان مالیات به دولت پردازند (کمپفر، همان: ۱۸۷-۱۸۶).

گفته شد که قراردادهای اتحاد و همکاری با کشورهای بیگانه، صرفاً پس از تصویب او، انعقاد می یافته است (سانسون، ۱۳۴۶: ۹). حتی اجازه ورود به سفرای خارجی و نیز چگونگی برنامه سفر آنان در داخل ایران از سوی اعتمادالدوله صادر و مشخص می گردید (کمپفر، همان: ۴۲). بنابراین، می توان استنباط کرد که این وزیر کرد، تقریباً در تمامی امور مربوط به اداره کشور با دقت و وسواس خاصی عمل می کرده است.

عمارت ها و بناهای منسوب به شیخ علی خان زنگنه

در دوران شیخ علی خان زنگنه سعی فراوانی در آبادی اصفهان مصروف گردید و عمارات و رباطات و مساجد و مدارس و ابنیه بسیاری در این شهر ساخته شد (محمد مهدی بن محمدرضا اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۸-۱۷۷) از جمله آنها موارد زیر را می توان نام برد:

۱. مسجد خان. شیخ علی خان زنگنه در سال ۱۰۹۰ هـ ق دستور احداث مسجدی را داده که امروزه به نام «مسجد خان» معروف و در محله ای به نام «ترواسکان» قرار دارد.
۲. حمام خان. به دستور شیخ علی خان زنگنه در مجاورت مسجد خان، حمامی به منظور استفاده عموم احداث گردید، که آن به نام «حمام خان» مشهور است (محمد مهدی بن محمدرضا اصفهانی، همان: ۶۳۸).
۳. کاروان سرای چاله سیاه در اصفهان.
۴. مدرسه شیخ علی خان زنگنه در تویسرکان.
۵. راسته بازار و چارسوق در تویسرکان.
۶. حمام خان. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، در همان محله جولاستان تویسرکان، از وجود حمامی مشهور به «حمام خان»، که از بناهای شیخ علی خان زنگنه محسوب می شده، خبر داده است و می نویسد با وجود قدمت و کهنگی ممتاز است (همان جا).
۷. کاروان سرای تویسرکان. این بنا نیز به احتمال قوی از آثار خیریه شیخ علی خان زنگنه است (گل محمدی، ۱۳۷۱: ۱۶۳).
۸. پل قدیمی تویسرکان. پل مزبور نیز احتمالاً به دستور شیخ علی خان زنگنه معمور گردیده است (گلزاری: ۵۴).
۹. آب انبار اسدآباد .
۱۰. تعمیر مسجد جامع اسدآباد.

۱۱. از خلال برخی از اخبار. پیرامون وقایع همدان در اواخر قرن دوازدهم هجری، در می‌یابیم همدان قلعه‌ای به نام «قلعه شیخ علی خان» داشته که می‌توان احتمال داد که آن نیز از آثار شیخ علی خان زنگنه بوده باشد (گل محمدی، همان جا).

۱۲. کاروان سرای اسدآباد. کاروان سرای شاه عباسی اسدآباد نیز گویا به دستور شیخ علی خان زنگنه ساخته شده است (گلزاری: همان جا).

۱۳. پل شیخ علی خان در فارس. منابع عهد زند از وجود پلی در ناحیه زرقان فارس خبر داده‌اند که نام شیخ علی خان را بر خود داشته است. یحتمل این پل به دستور شیخ علی خان زنگنه ساخته شده است (گلزاری، ۱/۷۵۱).

۱۴. کاروان سرای بیستون. این کاروان سرا از جمله کاروان سراهایی است که توسط شیخ علی خان زنگنه در مسیر راه کاروان‌های عازم عتبات ساخته شده است و برخلاف بسیاری از این کاروان سراها که امروزه از میان رفته‌اند، به علت داشتن موقوفه و متولی مخصوص تاکنون نسبتاً سالم مانده است.

۱۵. کتیبه وقف‌نامه شیخ علی خان در بیستون.

۱۶. مقبره فاضل تونی. ملاعبدالله محمدتونی بشروی، از فقهای دوران صفویه، که در اواخر عمر قصد رفتن به عتبات را داشته، روز ۱۶ ربیع‌الاول سال ۱۰۷۱ هـ.ق در کرمانشاه فوت کرده است و شیخ علی خان، که در آن زمان حاکم کرمانشاه بوده، دستور داده است تا او را در سمت راست جاده کرمانشاه به بغداد، نزدیک پل کهنه قره‌سو، دفن کنند. همچنین، بر سر مزارش بقعه‌ای بنا نهاده که بعداً از میان رفته است و در زمان حاضر بقعه‌ای دیگر در آن جا نصب نموده‌اند (سلطانی، ۱۳۷۲: ۲/۱۵۸).

۱۷. کاروان سرای ماهیدشت. در ماهیدشت نیز کاروان سرایی کم و بیش ویران وجود دارد که بنابر روایات به دستور شیخ علی خان زنگنه احداث گردیده است (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۵۲).

۱۸. کاروان سرای هارون‌آباد (اسلام‌آباد کنونی).

۱۹. کاروان سرای کرند غرب.
۲۰. کاروان سرای سرپل زهاب.
۲۱. کاروان سرای شیخ علی خان در قصرشیرین.
۲۲. کاروان سرای کنگاور، کاروان سرای شاه عباسی کنگاور هم احتمالاً از بناهای شیخ علی خان بر سر راه عتبات بوده است (سلطانی، ۱۳۷۲: ۲/۱۷۷).
۲۳. کاروان سرای صحنه.
۲۴. کاروان سرای سنقر، در سنقر نیز کاروان سرایی منسوب به شیخ علی خان زنگنه وجود داشته که آن هم در طول زمان به تدریج نابود شده است (همان: ۲/۲۴۶).

نتیجه گیری

ایل ایرانی و کرد زبان زنگنه یکی از ایلات قدرتمند در نواحی غرب کشور است که ریشه بسیار کهنی در تاریخ ایران زمین دارد. در مورد این ایل تا قرن ۹ هجری در منابع مکتوب خبری یافت نمی شود و هرچه درباره ایل مذکور تا آن زمان گفته شده صرفاً براساس منابع شفاهی است. در عهد صفوی سران زنگنه به شکل موروثی، منصب امیر آخورباشی گری دربار و مناصب زیردست امیر آخورباشی را در اختیار خود داشتند و همچنین، باز هم به گونه ای موروثی حکومت ایالتی را که امروزه استان کرمانشاهان خوانده می شود، عهده دار بودند. کما اینکه تجدید حیات. کرمانشاه پس از فتنه مغول به همت همین حاکمان زنگنه تبار تحقق پذیرفته است.

مشهورترین شخصیت زنگنه در دوران صفویه شیخ علی خان زنگنه بود که مدت بیست سال تکفل امر وزارت شاه سلیمان صفوی را بر عهده داشت. شیخ علی خان در طی سال های وزارت خود در اصلاح امور دولت صفوی بسیار کوشید، ولی به علت وجود پادشاهی ضعیف النفس در رأس کشور، که عملاً بازیچه دست زنان و خواجه

سرایان حرم بود، در این زمینه کمتر موفقیتی به دست آورد. البته، شیخ علی خان در اثر کوشش‌هایش در راستای اصلاح امور و نیز حفظ منافع ایران در چارچوب ارتباط با کشورهای خارجی و همین‌طور پاکی و فساد ناپذیری و اقدامات خیر خواهانه عام‌المنفعه‌اش، پیوسته مورد تحسین هر ناظر بی طرفی بوده است. اگرچه بعضاً او را به مال‌اندوزی و خشونت بیش از حد، به‌خصوص در رابطه با اقلیت‌های مذهبی، متهم کرده‌اند.

شاه‌قلی خان، فرزند شیخ علی خان، نیز از شخصیت‌های مهم زنگنه در دربار صفویان بود، که حدود یازده سال وزارت شاه سلطان حسین صفوی را به عهده داشت؛ ولی از خلال اخبار منابع چنان مستفاد می‌شود که شاه‌قلی خان لیاقت‌ها و قابلیت‌های پدرش را نداشته است. هر چند که برخی شواهد حاکی از کوشش‌هایی از سوی شاه‌قلی خان به منظور تجدید قدرت نظامی دولت صفوی است، اما در جریان سقوط اصفهان و رخداد فتنه افغان، زنگنه‌ها بهای سنگینی در وفاداری به خاندان صفوی پرداختند، که از جمله کشته شدن بسیاری از سران این ایل به دست افغان‌های مهاجم بوده است.

شیخ علی خان روش عادلانه‌ای در برخورد با مردم اتخاذ نمود و این رفتار را حتی نسبت به ارامنه و پیروان سایر ادیان مقبول کشور نیز تسری داد. او محصلان مالیاتی را، که به روستاها اعزام می‌شدند تا مالیات مقرر را جمع‌آوری نمایند، از اینکه نسبت به زنان و کودکان مردم آزاری کنند و یا به اموال دهقانان دست یازند، غدغن کرده بود. شیخ علی خان به ایجاد و گسترش امنیت در کشور، به ویژه در راه‌ها اهمیت خاص می‌داد. او برای اینکه راه‌داران به وظایف خود بیشتر و بهتر عمل نمایند، برخی از راه‌ها را به اجاره آنان داد و مکلفشان نمود در صورت رخ دادن سرقتی، اموال دزد زده را از سارقان بگیرند و بازپس دهند و یا خسارات مسافر را از جیب خود جبران نمایند.

کتابنامه

۱. اوبن، اوژن. ۱۳۶۲، *ایران امروز*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، زوار، چ ۱.
۲. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. ۱۳۴۸، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران، صفی علیشاه.
۳. بدلیسی، امیر شرف خان. ۱۳۶۴، *شرفنامه*، به کوشش محمد عباسی، تهران، علمی.
۴. بینا، علی اکبر. ۱۳۷۷، *تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران*، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱.
۵. خاتون آبادی، سید عبدالحسین حسینی. ۱۳۵۲، *وقایع السیفی و الاعوام*، تصحیح محمد باقر بهبودی، تهران، اسلامیه.
۶. خواجهگی اصفهانی، محمد معصوم. ۱۳۶۸، *خلاصه السیر*، به کوشش ایرج افشار، تهران، علمی، چ ۱.
۷. دوبد، بارون. ۱۳۷۱، *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، علمی و فرهنگی.
۸. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۶۱، *لغت نامه*، تهران، نوین، ج ۱۵.
۹. سانسون، ۱۳۴۶، *سفرنامه*، ترجمه تقی تفضلی، تهران، ابن سینا.
۱۰. سلطانی، محمد علی. ۱۳۷۲، *جغرافیای تاریخی مفصل کردستان (۲/۲ تاریخ ایلات و طوایف کرمانشاهان)*، تهران، مؤلف، چ ۱.
۱۱. سنندجی، میرزا شکرالله. ۱۳۳۶، *تحفه ناصری (در تاریخ و جغرافیای کردستان)*، به کوشش حشمت الله طیبی، تهران، چ ۱.

۱۲. شاردن، ژان. ۱۳۳۶، *سیاحتنامه*، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ج ۳ و ۷.
۱۳. فسائی، میرزا حسن. ۱۳۱۳، *فارس نامه ناصری*، کارخانه آقا سید مرتضی، به اهتمام آقا میرزا حسن مباشر.
۱۴. کمپفر، انگلبرت. ۱۳۶۳، *سفرنامه*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
۱۵. گل محمدی، محمد مقدم. ۱۳۷۱، *سیری در اوضاع طبیعی، تاریخی و اجتماعی تویسرکان، تهران، غزالی، ج ۱*.
۱۶. مردوخ، ۱۳۷۰، *تاریخ مشاهیر گرد*، به کوشش ماجد روحانی، تهران، سروش.
۱۷. مشیزی، میر محمد سعید بردسیری. ۱۳۶۹، *تذکره صفویان کرمان*، مقدمه و تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی، تهران، علم، چ ۱.
۱۸. منجم یزدی، ملاجلال. ۱۳۶۶، *تاریخ عباسی (روزنامه ملاجلال)*، به کوشش سیف الله وحیدنیا، تهران، وحید، چ ۱.
۱۹. میرزا سمیعا، ۱۳۶۸، *تذکره الملوک*، محمد دبیر سیاقی، تهران، امیرکبیر، چ ۲.
۲۰. نصرآبادی، محمد طاهر. ۱۳۶۱، *تذکره نصرآبادی*، به اهتمام وحید دستگردی، تهران، فروغی.
۲۱. نطنزی، معین الدین. ۱۳۳۶، *منتخب التواریخ معینی*، تصحیح اوژن اوبن، تهران، خیام.
۲۲. وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر. ۱۳۲۹، *عباس نامه (تاریخ جدید)*، به کوشش ابراهیم دهگان، اراک، داودی.

-
۲۳. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. ۲۵۳۶، *تاریخ روابط خارجی ایران*، تهران، امیرکبیر.
24. Rudi, Methee.1944,"administrative stability and change in late 17th century Iran: The of Shaykh Ali Khan Zanganeh (1669-89)", in T.J. Middle East studies.
25. _____.1991,"The cureer of Mohammad Beg,Grand Vizir of Shah Abbas II (r.1642-1666)", in *Iranian Studies* , vol, XXIV, no 1,4 .